

شهر خوب، برنامه خوب

نقدی بر اهداف طرح جامع جدید تهران

es_shieh@iust.ac.ir

اسماعیل شیعه / دکترای شهرسازی / عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت



قبل از هر چیز باید به این نکته اشاره کرد که تهیه‌کنندگان طرح جامع سال ۱۳۸۵ تهران را اغلب کسانی تشکیل می‌دهند که سالها در عرصه برنامه‌های شهری و منطقه‌ای ایران تهیه طرح و برنامه را تجربه کرده و بعضی از دوستان و همکاران ارزشمند نیز به حساب می‌آیند. به همین دلیل نقد برنامه‌ها برای من مشکل بوده است از این جهت که مبادا خطایی صورت گیرد و موجبات تکرر خاطر آنان و شرمندگی من را فراهم آورد. ولی با توجه به اینکه مباحث علمی و اجرایی یک بحث طلبگی است که بدون پیش زمینه نامناسب و تنها به منظور اشراف هر چه بیشتر طرفین بر موضوع مورد بحث انجام می‌گیرد، با کسب اجازه از تهیه‌کنندگان، تصویب‌کنندگان و دست‌اندرکاران نهاد محترم طرح جامع به اظهار نظراتی که امکان وجود خطا نیز در آنها وجود دارد، می‌پردازم.

واژگان کلیدی: برنامه - طرح جامع شهری، برنامه‌ریزی شهری، اهداف طرح جامع، تهران.

برنامه‌ریزی برای یک «شهر خوب»

اگر هدف از «طرح جامع تهران» که بهتر است از آن به عنوان «برنامه جامع تهران» یاد شود، ایجاد ساختاری مناسب برای یک شهر خوب است، نکاتی باید به‌عنوان میانی پایه و اصلی یک برنامه خوب مبنا قرار گیرد که بتوان با استفاده از معیارهای قابل قبول به ارزیابی خصوصیات آن از دیدگاه‌های مختلف پرداخت. برنامه‌ریزی برای یک شهر خوب شامل عواملی است که می‌توان آنها را به قرار زیر دانست:

- ۱ پیش‌بینی اقتصادی و اجتماعی شهر برای آینده براساس امکانات و محدودیت‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فنی و مدیریتی آن.
- ۲ پیش‌بینی جمعیت به نسبت نقش اجتماعی-اقتصادی آینده و بر مبنای شرایط بالادست در حوزه‌های شهری و منطقه‌ای.
- ۳ ارتباط منطقی شهر با نقش‌پذیرهایی که براساس برنامه‌های جامع منطقه‌ای و کشوری جایگاه شهر را مشخص می‌سازد.
- ۴ تدوین برنامه کاربری اراضی مناسب همراه با سلسله مراتب

عملکردی و سازمان قضایی قابل قبول.
۵ توجه به ارتقاء سطح اجتماعی، فرهنگی و رفاه اجتماعی در کنار کاهش آثار ناشی از مشکلات مربوط به پدیده‌های اجتماعی ناخوشایند.
۶ پیش‌بینی‌های مناسب برای اعتدال تراکم‌های جمعیتی، ساختمانی و مترادف با سرانه‌های متعادل.
۷ حفظ و ارتقاء ارزش‌های محیطی برای نیل به توسعه پایدار در عرصه‌های طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و مدیریتی.
۸ برنامه‌ریزی برای رفع عوارض موجود و جدید مانند مشکلات مربوط به مسکن، آلودگی‌های محیطی، تحرک اجتماعی، ویژگی‌های فرهنگی، سنت‌ها و آداب و رسوم و پیشینه‌های مثبت شهرسازی گذشته در عین استفاده از آخرین فناوری‌ها در عرصه‌های فنی و مدیریتی.

لازم است که شهر مورد نظر، ارتباط مناسبی با نواحی اطراف و حوزه‌های منطقه‌ای خود داشته و دارای پیوندهای اجتماعی، اقتصادی و طبیعی مناسبی در حوزه منطقه‌ای باشد. در مورد شهر تهران، این ارتباطات و تأثیرات باید در عرصه‌های فرامنطقه‌ای و ملی صورت پذیرد و ضمن آمایش شهری، تأثیرات متقابل بین شهر و حوزه فرامنطقه‌ای آن را در قالب برنامه‌های آمایشی بزرگ‌تر به حساب آورده و مطالعه شود.

در چنین شهری باید نقش آینده اقتصادی در سطح شهر، منطقه و کشور نیز مورد توجه قرار گیرد. توجه به درآمد و هزینه‌های شهر و مردم آن، اشتغال، امور اقتصادی مسکن، برنامه‌ریزی برای رفع زاغها و سکونت‌گاه‌های خودرو و اقتصاد سالم شهری، مصرف صحیح انرژی و ... از جمله این مطالعات تلقی می‌شود. از نظر اجتماعی و فرهنگی، توجه به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی، تقسیمات محله‌ای و ناحیه‌ای مناسب، اعتدال در پراکنش جمعیت و تراکم، اندازه متعادل جمعیت، زمینه‌سازی برای حفظ و ارتقاء سنت‌ها و ارزش‌های اجتماعی دیرینه، بسط ارتباطات و روابط سالم شهروندی از ضروریات یک شهر خوب به حساب می‌آید. عدالت اجتماعی و اعتدال در تمام مواردی که بر پهنه‌های اجتماعی شهر اثر می‌گذارد و همچنین زمینه‌سازی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، سرقت، جرم و جنایت نیز از آن جمله است.

از نظر طبیعی و زیست‌محیطی، شرایط مناسب بوم‌شناسانه شهری، پایداری طبیعی محیط، توجه به مخاطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، خشکسالی و بروز بیماری‌ها، استفاده از امکانات طبیعی مانند منابع آب و خاک از مهم‌ترین مواردی است که باید در هر برنامه شهری مورد توجه قرار گیرد. از نظر کالبدی نیز، باید در محتوای اجرایی برنامه به توزیع فضایی مناسب اهداف قابل حصول، توزیع فضایی عملکردها، توزیع فضایی مناسب فعالیت‌ها و بالاخره

توزیع فضایی اهداف دورنگر توجه کافی شده و برای تمام آنها برنامه‌ریزی مناسبی صورت گرفته باشد. بنابراین در یک جمع‌بندی، یک «برنامه- طرح» جامع شهری همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید باید از جامعیت برخوردار بوده و برای آینده شهر، برنامه‌های قابل قبولی ارائه کرده باشد. اگر چه جامعیت «برنامه- طرح» های شهری باید بر بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی قرار گیرد، ولی بیشترین توجه در برنامه‌ها و طرح‌ها در ایران، به ساختار کالبدی- فضایی و برنامه‌های کاربری زمینی معطوف می‌شود. اگر چنین باشد، در یک برنامه جامع شهری، خصوصیات کالبدی یک «برنامه- طرح» جامع شهری باید به قرار زیر برنامه‌ریزی شده باشد:

- کاربرد مناسب زمین بر مبنای الگوهای مرتبط.
- سلسله مراتب مناسب راه‌ها و پیش‌بینی حمل و نقل مناسب.
- مسکن مناسب همراه با سطوح زیربنایی متعادل.
- ویژگی‌های محله‌ای مناسب از نظر ارتباط بین اقصاء مختلف جمعیت و فضاهای قدیم و جدید.
- تعیبه تأسیسات زیربنایی مناسب به نسبت قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و نیازمندی‌های شهر.
- تراکم متعادل جمعیت و ساختمان.
- حفظ محیط‌زیست و زیبایی‌های طبیعی و جنبه‌های زیباشناسی شهری.
- ارتباط مناسب بین نواحی مسکونی و مراکز کار و تحصیل و نیازمندی‌های فرهنگی.
- عدم وجود محله‌های جدا مانده از شهر و عدم تضاد در عرصه‌های کالبدی.
- برقراری شرایط بهداشتی و سلامتی از نظر جسمی، بصری، حرکتی، روانی و معاشرتی به نسبت اقصاء مختلف ساکن در شهر.
- ساختار مناسب اقتصادی و اجتماعی در پهنه‌های مختلف شهر در قالب ساختارهای کالبدی قابل قبول.
- پخش مناسب و سلسله مراتبی نیازمندی‌های عمومی و زیربنایی.

در چارچوب موارد فوق ارتقاء سطح رفاه اجتماعی، ارتباط مناسب بین بافت‌های شهر، نظم در مقررات و ضوابط ساختمانی، حمل و نقل مناسب، فضاهای باز و اعتدال در تراکم، تأمین خدمات عمومی اعم از آموزشی، درمانی، فرهنگی و برنامه مناسب اقتصادی از جمله ملزومات یک شهر خوب به حساب می‌آید. این موارد در اغلب کتب، نشریات علمی و پژوهش‌های شهرسازی و همایش‌های یک شهر قابل زیست مورد توجه قرار گرفته است. حال چنانچه «برنامه- طرح» جامع تهران دارای این ویژگی‌ها باشد، نوید آن را خواهد داشت که به ارائه بهترین برنامه‌ها برای آینده تهران پرداخته و جایگاه مناسبی را برای این شهر تدارک ببیند. در غیر این صورت باید به بررسی و کندوکاو پرداخت تا نارسایی‌ها و مشکلات آن رفع شود.

از آنجا که اینجانب فقط با کلیات «برنامه- طرح» جامع تهران آشنایی دارم، آنچه مطرح می‌کنم براساس همان کلیات است و مناسب است که بحث از اهداف و راهبردهای «برنامه- طرح» جامع تهران شروع شود.

یکی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین موارد در یک «برنامه- طرح» جامع شهری، تعیین اهداف آن است. شک نیست که تعیین

اهداف نیز نمی‌تواند قبل از مطالعه دقیق و شناخت امکانات و محدودیت‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و گسترش کالبدی صورت پذیرد.

این برنامه در بیان هدف‌ها- بند سوم از هدف‌ها- به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید پرداخته است. بدیهی است که این فرصت‌های شغلی جدید باید برای سهمی از جمعیت مهاجر نیز باشد. حتی اگر تعداد جمعیت بیکار شهر در نظر باشد، انتظار می‌رود که با اجرای برنامه‌های عدم تمرکز، این جمعیت بیکار به سوی نقاط دیگر و یا حداقل به سوی شهرهای جدید و اقماری اطراف تهران سوق پیدا کند. در شرایط موجود، تمرکز انواع فعالیت‌های کاری، تحصیلی، تفریحی، درمانی و اداری در تهران و ضعف بودن آنها در شهرهای اقماری و جدید اطراف، یکی از دلایل عدم موفقیت در شکل‌گیری درست شهرهای جدید است. برنامه‌های جامع شهری در کشورهای پیشرفته صنعتی در قرن‌های نوزدهم و بیستم، نه تنها به سوی گسترش ناپیوسته شهری هدف‌گیری کرده، بلکه شهرداری‌های شهرهای بزرگ بر مبنای اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های خود، ابتدا به ساماندهی نواحی بیرونی شهرها پرداخته، سپس وضعیت شهرهای اصلی را سامان بخشیده است. اما در مورد تهران هرگونه برنامه عمرانی و رفاهی این نقطه تمرکز را جهت‌گیری می‌کند. اگر تأسیسات مورد نیاز جمعیت در شهرهای اقماری و جدید سامان یابد، در سایه سایر برنامه‌های جامع کشوری از تمرکز تهران کاسته خواهد شد. البته در خلال راهبردهای این برنامه به تمرکززدایی از تهران اشاره شده ولی این راهبردها با اهداف در نظر گرفته شده برای شهر مغایر است.

«برنامه- طرح» جامع شهر تهران بر مبنای بند چهارم از هدف‌های خود، به صورتی یک‌جانبه فقط رونق فعالیت و توسعه اقتصادی تهران را با حفظ و پالایش پهنه‌های کنونی و گسترش عرصه‌های فعالیت مورد توجه قرار داده است. این مورد جز به تشدید و تمرکز

بیشتر جمعیت، کار، سرمایه و گسترش کالبدی بیشتر منجر نخواهد شد که خود باعث می‌شود نواحی دیگر کشور هرگز قادر به ایفای نقش اساسی خود نسبت به سهم و قابلیت‌های خود نشوند. هنگامی که «گراوی» در سال ۱۹۴۸، کتاب «پاریس و بیابان فرانسه» را نوشت، خود زمینه‌ای را برای آمایش کل پهنه فرانسه مهیا کرد و منجر به تمرکززدایی از پاریس شد. شاید دور از انتظار نباشد که با گسترش عرصه‌های

فعالیت و ایجاد فرصت‌های شغلی پیش‌بینی شده در «برنامه- طرح» جامع تهران، «تهران و بیابان ایران» پدید آید.

بند پنجم اهداف، به حفاظت از محیط‌زیست و ایمن‌سازی

یک «برنامه- طرح» جامع شهری باید از جامعیت برخوردار بوده و برای آینده شهر، برنامه‌های قابل قبولی ارائه کرده باشد. یکی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین موارد در یک «برنامه- طرح» جامع شهری، تعیین اهداف آن است که نمی‌تواند قبل از مطالعه دقیق و شناخت امکانات و محدودیت‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و گسترش کالبدی صورت پذیرد. با این حساب مهم‌ترین ایراد طرح، عدم ارتباط بین بندهای مختلف اهداف آن است. به نظر می‌رسد که هر یک از اهداف مستقل از هم تعیین شده و ارتباطی بین لازم و ملزومات تحقق آنها به وجود نیامده است.

ایجاد فرصت‌های شغلی (بند سوم از اهداف طرح جدید)، جز به تشدید و تمرکز بیشتر جمعیت، کار و سرمایه و گسترش کالبدی منجر نخواهد شد. این باعث عدم ایفای نقش و عدم بروز قابلیت‌های نواحی دیگر کشور می‌شود. به‌علاوه استمرار در گسترش شهر با توجه به شرایط طبیعی تهران، آلودگی هوا و کمبود منابع آبی آن را تشدید خواهد کرد که مغایر با ایمن‌سازی شهر و حفظ محیط‌زیست (بند پنجم اهداف) است. کیفیت زیست شهری در لوای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی اتفاق می‌افتد. با اهداف موجود در «برنامه طرح» جامع، تهران همچنان به تمام پهنه کشور سلطه اقتصادی، اجتماعی خواهد داشت. بهتر آن است که تهران به همان نقش‌هایی که دارد بسنده کند و افزون بر آن را به نقاط دیگر بسپارد.

شهر از خطرات ناشی از وقوع سوانح طبیعی و سایر مخاطرات آسیب‌ها، پرداخته است. به نظر می‌رسد که تحقق این مورد بادشواری‌هایی روبرو خواهد بود و تا حصول آنها بر مبنای هدف‌های طرح جامع راه درازی در پیش است. با افزایش جمعیت، گسترش پیوسته کالبدی شهر و تمرکزگرا بودن فعالیت‌ها، حفظ محیط‌زیست چگونه امکان‌پذیر خواهد بود؟ تمرکز جمعیت در تهران، منجر به هدایت آب‌های رودخانه‌های نواحی اطراف برای ساکنین این شهر شده و اراضی زراعی گسترده‌ای را با کمبود آب مواجه کرده است. تثبیت

برنامه جمعیت تا ۸/۶ میلیون نفر، منابع آب را با محدودیت بیشتری روبرو می‌سازد؛ این در حالی است که در وضع موجود نیز تهران با کمبود آب روبرو است. در حال حاضر سهم قابل توجهی از آب مورد نیاز این شهر از آب زیرزمینی تأمین می‌شود. بدیهی است که استفاده از آب‌های سطحی و زیرزمینی نیز با توجه به کم باران بودن حوزه منطقه‌ای شهر بر مشکلات احتمالی آینده خواهد افزود. گسترش یکپارچه و متحرک شهر نیز باعث افزایش آلودگی محیط‌زیست با روند فزاینده استفاده از وسایل نقلیه شخصی خواهد شد. به ویژه آنکه طبق بند چهارم اهداف (رونق فعالیت‌ها و توسعه اقتصادی تهران)، ممکن است نیاز به آب مصرفی بیشتر را در پی داشته باشد.

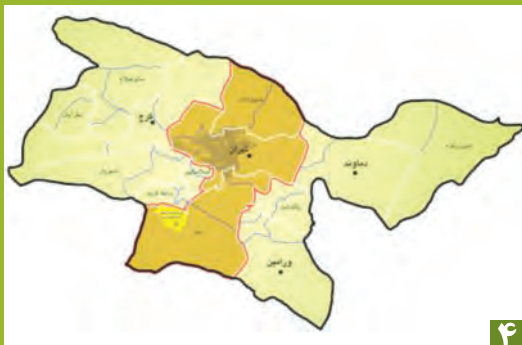
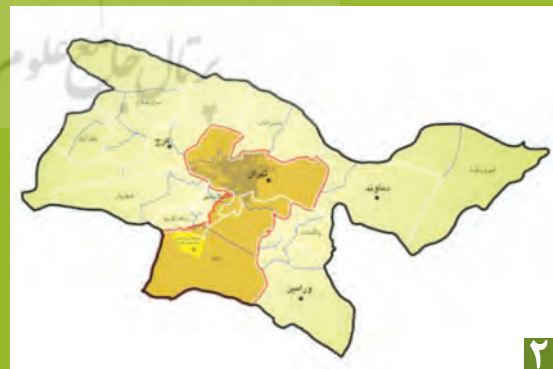
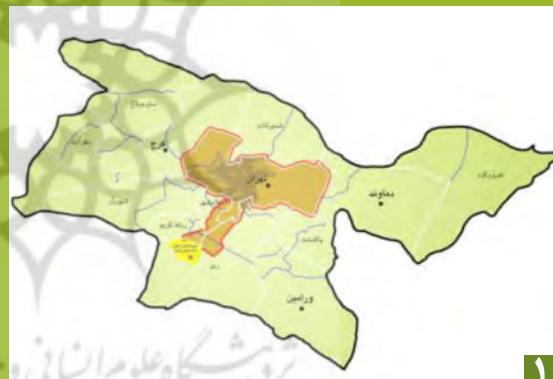
ایمن‌سازی شهر از سوانح طبیعی خود نیز نیازمند تأمین اعتبار زیادی است. مقاوم‌سازی ساختمان‌ها در برابر زلزله چگونه صورت خواهد گرفت؟ حال آن‌که تمرکززدایی و اعتدال در استقرار جمعیت و ایجاد قطب‌های رشد اقتصادی، اجتماعی و جاذب جمعیتی در نقاط دیگر کشور، راه حل بهتری است.

بهتر آن است که تهران به همان نقش‌هایی که دارد بسنده کند و افزون بر آن را به نقاط دیگر بسپارد. علاوه بر این، استمرار در گسترش پیوسته شهر با توجه به شرایط طبیعی تهران، آلودگی هوا را تشدید خواهد کرد. بنابراین، اینکه با ارتقاء نقش‌های ملی، فراملی و منطقه‌ای (بند اول اهداف)، تثبیت جمعیت تا مرز ۸/۶ میلیون نفری (بند سوم هدف‌ها) و رونق فعالیت‌ها و گسترش عرصه‌های آن (بند چهارم هدف‌ها) حفظ محیط‌زیست چگونه ممکن خواهد بود، جای پرسش دارد. بهتر بود که «برنامه طرح» جامع تهران به سوابق و نظام‌های شهری جدید سایر کشورها نگاه بیشتری داشت. در بسیاری از کشورها، حد و مرز جمعیت و ملاک شهر بودن را به خاطر حفظ محیط‌زیست کاهش داده و استقرار جمعیت در شهرهای متعدد را راه حل دانسته‌اند؛ تا ضمن حفظ روابط اجتماعی، کاهش آلودگی هوا، حفظ اراضی طبیعی و کشتزارها و کاهش بحران مسکن و جلوگیری از هدر رفتن اراضی، ساکنان شهرها را از ناسامانی برهاند.

در بند ششم از هدف‌ها، بهبود وضعیت شبکه‌های ارتباطی و نظام حمل و نقل با گسترش زیرساخت‌ها و حمل و نقل همگانی و مدیریت تقاضای سفر مبنا قرار گرفته است. مدیریت تقاضای سفر جز با چاره‌اندیشی برای تعدیل در شرایط استفاده از اراضی و کاربری زمین - که در وضع موجود تهران یکی از عوامل اصلی بحران‌زای رفت و آمد است - اجرایی نخواهد شد. اگر چه بهبود وضع شبکه ارتباطی طرح جامع تهران به‌عنوان یک هدف مورد تأیید است، ولی حرکت پاندولی بحران‌زای رفت و آمد به نواحی متمرکز فعلیتی، جز با اعمال مقررات ویژه نحوه استفاده از اراضی، ضوابط و معیارهای شهرسازی و اجرایی برنامه‌های سلسله مراتبی

گزینه‌های پیشنهادی طرح جامع مصوب ۱۳۸۶ تهران برای حریم پایتخت

شهری گسترده و تمرکزگرا، با انبوهی از جمعیت، قادر به گسترش فضاهای طبیعی در درون خود نیست و باید به حفظ میراث‌های طبیعی نواحی بیرون شهر پرداخت. تشدید و تمرکز بیشتر جمعیت، کار و سرمایه و گسترش کالبدی حاصل از بندهای سوم و چهارم اهداف در کنار تثبیت سطوح اراضی مسکونی و کنترل میزان تراکم آمده در بند هشت چگونه ممکن خواهد بود؟



عوامل جاذب سفر، میسر نخواهد شد.

۵ بهبود و ارتقاء کیفیت محیطی و وضعیت کالبدی شهر که در بند هفتم اهداف به آن اشاره شده فقط در تأیید یک موضوع است و آن تعیین محدوده‌های اعمال ضوابط و مقررات استفاده از زمین در محدوده‌های نیازمند مداخله است. در این قسمت، هدف طرح جامع حفظ و قبول شرایط موجود است و مداخله در بعضی از قسمت‌های آن را ممکن می‌داند که جامعیت لازم را ندارد. برنامه‌ریزی کالبدی برای شهرها فقط در سایه اعمال ضوابط و مقررات استفاده از اراضی صورت نمی‌گیرد. بلکه تنظیم برنامه‌های کالبدی با هدف بهبود ارتقاء کیفیت محیطی شامل نکاتی نظیر موارد زیر می‌شود: تعدیل در برنامه‌های کاربری زمین، برنامه‌ریزی برای تأسیسات زیربنایی، حمل و نقل، طرح‌های بهبود محله‌ای، مرمت شهری، شکل‌های کالبدی موجود و پیشنهادی، فضاهای سبز، کیفیت‌های زیباشناسانه و عناصر بصری و ارائه راهبردهای اجرایی برای آنها.

۶ در مورد بند هشتم از هدف‌ها، این سؤال پیش می‌آید که تثبیت سطوح اراضی مسکونی و کنترل میزان تراکم، با توجه به حد و مرز ۸/۶ میلیون نفری جمعیت (بند سوم اهداف) و تثبیت حد و مرز محدود شده (بند دوم از هدف‌ها) چگونه امکان‌پذیر خواهد بود؟ به نحوی که هم جمعیت را در خود جای دهد و هم تثبیت سطوح اراضی مسکونی و تراکم آنها را در نظر داشته باشد. در چنین محدوده‌ای که مسلماً سهمی از آن به مسکن اختصاص خواهد داشت، جایی برای گسترش فضاهای عمومی، کاربری‌های خدماتی و پهنه‌های فعالیت که هدف هشتم بر روی آن تأکید دارد، باقی نخواهد ماند. به نظر می‌رسد که هر یک از اهداف، مستقل از هم تعیین شده و ارتباطی بین لازم و ملزومات تحقق آنها به وجود نیامده است. تثبیت حدود و مرز محدوده شهری- که مسلماً به مرز و حریم شهرهای اقماری جدید اطراف وارد نخواهد شد- و شرایط زلزله‌خیز تهران و بحران‌های ناشی از آلودگی‌های حاصل از گسترش پیوسته شهر، نمی‌تواند هم گسترش فضاهای عمومی و کاربری‌های خدماتی پهنه‌های فعالیت پاسخ دهد و هم نواحی مسکونی و محیط زیست را حفظ کند.

۷ بند نهم از هدف‌ها که به بهسازی و نوسازی شهر اشاره کرده است، سیاستی در لوای ارتقاء سطح محیط‌زیست، رفاه اجتماعی و بهبود شرایط کالبدی خواهد بود. آخر آنکه ارتقاء کیفیت زیست شهری و حفاظت از میراث‌های طبیعی و تاریخی شهر که در بند دهم اهداف به آن اشاره شده است، با نیل به اهداف و سیاست‌های ۹ بند دیگر چگونه امکان‌پذیر خواهد بود؟ توسعه گردشگری یک هدف اقتصادی است که به‌عنوان یکی از سیاست‌های توسعه محسوب می‌شود. بنابراین به یک‌باره از میان انواع اهداف اقتصادی و توسعه‌ای، پرداختن

به گسترش گردشگری بدون سنجش قابلیت‌ها و قرار دادن آن در لوای ارتقاء کیفیت زیست شهری، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. کیفیت زیست شهری در لوای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی اتفاق می‌افتد. البته این کیفیت محیط‌زیست فقط برای گردشگران نخواهد بود. بلکه باید آحاد جمعیت ساکن در محله‌های شهر را تحت پوشش قرار دهد. همچنین حفاظت از میراث‌های طبیعی شهر به چه معناست؟ بدیهی است که شهری گسترده و تمرکزگرا، با انبوهی از جمعیت، قادر به گسترش فضاهای طبیعی در درون خود نیست. بلکه باید به حفظ میراث‌های طبیعی نواحی بیرون شهر پرداخت. اگر راهبردهای ارائه شده در طرح مدنظر قرار گیرد، نیل به این هدف با اشکال مواجه خواهد شد. البته در خلال راهبردهای «برنامه طرح» جامع به مواردی چون تمرکززدایی از تهران و ساماندهی به امور مختلف آن اشاره شده، ولی در کل مهم‌ترین اصل، عدم ارتباط بین بندهای مختلف اهداف است.

روابط شهروندی؛ نکته‌ای که فراموش شد

از مهم‌ترین مواردی که در اهداف مربوط به «برنامه طرح» جامع تهران مغفول مانده، کیفیت اجتماعی و فرهنگی، اقشار مختلف جمعیت و ارتقاء سطح روابط شهروندی و محله‌ای است. بدیهی است که کالبد شهر نیز باید نیل به چنین هدفی را تسهیل نماید. به نظر می‌رسد که تعیین اهداف در «برنامه طرح» جامع بر مبنای امکانات و محدودیت‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، محیطی و گسترش کالبدی تهران قرار ندارد و نقش شهر به نسبت اهداف ملی و منطقه‌ای همچنان بانقشی سلطه‌گر اقتصادی، اجتماعی و رفاهی نسبت به تمام پهنه کشور استمرار خواهد یافت. لازم است که مفهوم توسعه در چارچوب یک «برنامه طرح جامع» شهری بر مبنای شناخت تنگناها و قابلیت‌های شهری مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

در طول یک سال گذشته، کمیته مطالعات راهبردی و برنامه‌ریزی شهری وابسته به مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، با همکاری متخصصان امر و در کارگروه شناسایی تنگناها و قابلیت‌های شهر تهران در مقیاس راهبردی به ارائه الگویی برای ارزیابی این طرح‌ها پرداخت که این اسناد در آن مرکز موجود است. چارچوب این الگو براساس یک ماتریس سه‌بعدی به ارزیابی برنامه‌های توسعه شهری می‌پردازد. مؤلفه‌های ستون‌های این ماتریس شامل مسکن، زیرساخت‌ها، تجهیزات شهری، محیط کالبدی، زمین، انسان و مانند آنها است. مؤلفه‌های سطری نیز سنجش پایدار را بر مبنای ایمنی، زیباشناسی، اقتصاد، سیاست، حقوق، ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، فناوری، زیست‌محیطی و ... ممکن می‌سازد. علاوه بر این موارد، مؤلفه‌هایی چون عدالت اجتماعی، اثربخشی طرح‌ها، برنامه‌ها، کارایی و شفافیت نیز لحاظ شده و نیز توجیه اقتصادی، مشارکت‌پذیری، تمهیدات زیست‌محیطی، هماهنگی، سازمان‌تشیکیلات، پاسخ‌گو بودن و انعطاف‌پذیری مورد توجه قرار گرفته است.

سنجش «برنامه طرح» جامع تهران بر مبنای این الگو می‌تواند به‌نحوی بهتر، شرایطی را که بر این برنامه مترتب است، ارزیابی کرده و نقد حاضر را که از خطاهایی که رقم خورده، رهایی بخشد.

